

مقایسه ضمائر تہی درون گروه‌های اسمی در فارسی و ایتالیایی

زہرا اسماعیلی فرد

مربی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۴/۸/۲۲

تاریخ تأیید نهایی: ۸۴/۱۱/۹

چکیده

در طول قرن‌ها زبانشناسان عمدتاً به صرف و ساخت واژه توجه داشتند اما با پیدایش دستور گشتاری مطالعات نحوی و بررسی ساختار جمله اهمیت بسزایی یافت. تا دهه ۷۰ میلادی تمرکز روی جمله بود و از این زمان کم‌کم به مطالعه گروه اسمی هم پرداخته شد. با بررسی دقیق ساختار آن متوجه شباهت‌هایی میان گروه اسمی و گروه فعلی و جمله شدند. ادعای مشابهت ساختار این دو گروه، با توجه به تفاوت‌های زیاد آن‌ها، موجب شد مطالعات مقایسه‌ای انجام گیرد. مقولات تہی یکی از موضوعات مورد بحث در ساختار جمله است و یکی از این مقولات، ضمائر تہی‌اند. مقاله حاضر با مقایسه فارسی و ایتالیایی می‌کوشد نشان دهد ضمائر تہی در ساختار گروه‌های اسمی این زبان‌ها وجود دارد و همان ویژگی‌های کنترلی که در جمله وجود دارد، در گروه‌های اسمی هم دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: گروه اسمی، گروه فعلی، مقوله تہی، کنترل، جمله.

مقدمه

با پیدایش دستور گشتاری و توجه گسترده به نحو، جمله و vp، کانون مطالعات مختلف بودند و کمتر به ساختار درونی مقولات دیگر از جمله گروه اسمی توجه می‌شد. با مقاله «Remarks on nominalization» نوام چامسکی در سال ۱۹۷۰ زمینه مناسبی برای مطالعه این مسأله فراهم شد، اما عملاً قریب ۱۰ سال کار جدی و مشخصی صورت نگرفت. در سال ۱۹۷۹ رساله دکتری آندرسن که به ساختار گروه اسمی پرداخته بود، جرقه‌ای برای سوق دادن مطالعات به این سمت شد.

چامسکی در این مقاله این فرض را مطرح کرد که ساختار یک فعل، مثل ساختار اسم متناظر آن است. به نظر او هسته‌های واژگانی مانند V و N دارای مشخصه‌های واژگانی و تاحدی نحوی مشابه یکدیگرند.

این نظر به سادگی پذیرفته نمی‌شد، چرا که تفاوت‌های زیادی در اسم‌ها و افعال دیده می‌شود، اما با پیشرفت بیشتر در مطالعات نحوی و ارائه نظریه‌های جدید و طرح و بسط مفاهیمی چون حالت، حاکمیت، پارامتر و ... و مطالعه افرادی چون آندرسن و چینکوئه، به‌طور دقیق‌تر معلوم شد که گروه‌های اسمی و بندها ویژگی‌های مشترک زیادی دارند.

دو گرایش عمده در بحث‌های مربوط به گروه اسمی وجود دارد: پژوهشگرانی که به پیروی از آندرسن چینکوئه و میلر، اساساً به شباهت‌های NP و VP و بندها پرداختند.

پژوهشگرانی که معتقدند گروه‌های اسمی به کلی با گروه‌های فعلی و بندها متفاوتند و نقش‌های معنایی که یک اسم می‌تواند به موضوعاتش بدهد، بسیار متفاوت‌تر و وابسته‌تر از نقش‌هایی است که با یک فعل داده می‌شود (جرجی و لونگو باردی ۱۹۹۱). هر دو این مطالعات موجب بیشتر شناخته‌تر شدن ساختار NP شده است.

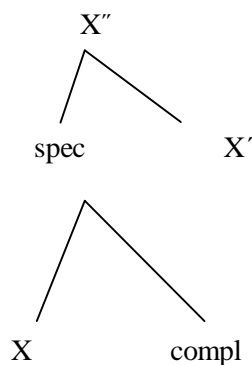
در مطالعات اخیر یکی از جنبه‌های ساختار جمله که مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، موضوع مقولات تهی است، یعنی رد NP ها، Wh ها، pro ها و PRO ها. این مقاله عمدتاً به شباهت‌های pro و PRO در ساختار گروه‌های اسمی و بندها می‌پردازد.

چهارچوب نظری

برای پرداختن به مسأله لازم است چهارچوب نظری کار روشن شود. اساس کار بر مبنای دستور گشتاری و تحولات آن است. طبق این نظریه که معتقد به دستور جهانی است، یک دسته اصول ثابت جهانی در زبان‌ها حاکم و مشترک است و تفاوت‌های آن‌ها از طریق

مجموعه ای از پارامترهای دو ارزشی تعیین می‌شود. این مسأله مهم هم در فرایند فراگیری زبان و هم در مطالعه زبان‌ها نقش اساسی دارد. این نظریه دستوری از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است که مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند (همان).

اولین بخش دستور نظریه ایکس تیره است که بر اساس آن یک دسته مقولات واژگانی (مثل N,V,A,P) و یک دسته مقولات غیر واژگانی (مثل I = تصریف‌نما، C = متمم‌نما، D = معرفه‌گر و ...) در زبان‌ها وجود دارد که هسته به شمار می‌آیند. هر هسته، فرافکنی بیشینه‌ای می‌تواند داشته باشد و از یک ساخت سلسله‌مراتبی برخوردار است که چنین نموداری برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود.



هر هسته واژگانی یک تعبیر معنایی یا تتایی به متمم خود می‌دهد و در مورد بعضی هسته‌ها این تعبیر را به جایگاه spec خود نیز می‌دهد. دادن این نقش محلی است. معیار تتا از اصول دستور جهانی است و بر اساس آن به هر موضوعی باید یک نقش تتایی داده شود و هر نقش تتایی باید به یک موضوع داده شود (دبیرمقدم، ۱۳۷۸).

در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی سازه فرمانی جایگاه ویژه‌ای دارد. در کنار آن شروط مربوط به حاکم، عنصر مورد حاکمیت و محلی بودن، ایفای نقش می‌کنند.

یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها برای گروه اسمی مسأله حالت و مشخصه‌های آن است که براساس آن، هر گروه اسمی که بروز آوایی و واژگانی دارد نیازمند گرفتن یک حالت انتزاعی است و حالت‌دهی به گروه‌های اسمی یا ساختاری است یا ذاتی. باید توجه داشت که حالت‌های اسم لزوماً رابطه یک به یک با نقش‌های تتایی ندارند. مقوله‌های I, V, P می‌توانند به اسم‌ها حالت دهند، اما مصدرها نمی‌توانند به فاعل خود حالت دهند. در واقع حالت‌های اسم تحت رابطه حاکمیت‌اند.

بر اساس اصل فرافکنی ساختار واژگانی باید بطور مقوله‌ای در

هر سطح نحوي بازنمائي شود، يعني معيار تنا بايد در ژ- ساخت، ر- ساخت و LF (صورت منطقي) باشد. اهميت اين امر به دليل قدرت پيشبيني آن است. بنا بر اين اگر موضوعي در جايگاه خاصي فهميده مي‌شود، بايد همانجا باشد، حتي اگر بروز آوايي نداشته باشد و اگر آنچه فهميده مي‌شود يك حالت باشد، پس يك مقوله تهی است. بر اساس اين اصل حرکت يك فراكن بيشينه فقط به يك جايگاه غير تنائي مجاز است، چون اگر جايگهي تنائي باشد در ژ - ساخت آن جايگاه پر شده است.

در نظريه مرجع‌گزيني به توزيع گروه‌هاي اسمي در روابط هم مرجعي پرداخته مي‌شود. بر اساس دو معيار دو ارزشي + يا - مرجعداري و + يا - ضميري گروه‌هاي اسمي را به سه دسته مرجعدارها، ضمير و عبارتهاي ارجاعي تقسيم مي‌کنند و براي هر دسته اصول مرجع‌گزيني خاصي ارائه مي‌گردد. عبارتهاي ارجاعي و ضميرداري ارجاع ذاتي‌اند و مي‌توانند مرجع گسسته داشته باشند. مرجعدارها فاقد ارجاع ذاتي‌اند و نمي‌توانند مرجع گسسته پذيرند و نحو بايد توزيع آن‌ها را مشخص و محدود کند و پابند کردن آن‌ها بر اساس مقوله حاکميت و سازه فرماني محلي است.

مقولات تهی بر اساس همين معيارهاي مرجع‌گزيني سنجيده مي‌شوند و رد به جا مانده از حرکت Wh ها، مانند اسم‌ها جزء عبارات ارجاعي‌اند. رد به جا مانده از حرکت NP ها و ضمير دو سويه و ضمير انعكاسي، جزء مرجعدارها و ضمير فاعلي يا مفعولي محذوف جزء ضميرند. در مورد ماهيت فاعل بندهاي بي‌زمان كه معمولاً با PRO نشان داده مي‌شود، بحث‌هاي زيادي وجود دارد كه ويژگي + ضميري + مرجعداري دارد چون از يكسو هيچ ارجاع ذاتي ندارد و از سوي ديگر مرجع آن درون بند PRO نيست. به همين دليل چامسكي آن را مرجعدار ضميري خوانده است (دبيرمقدم، ۱۳۷۸).

ردها تحت حاکميت‌اند و مرجع رد، در جايگاه تنا نيست و فاصله بين رد و مرجع آن، منطبق با اصل همجواري است. اما ضمير انتزاعي تحت حاکميت نيست (دبيرمقدم، ۱۳۷۸).

بر اساس اين اصول به مطالعه ضمير تهی درون گروه‌هاي اسمي و مقايسه آن با فاعل تهی بندهاي زمان‌دار يا بي‌زمان در ايتاليائي و فارسي پرداخته مي‌شود.

بحث و بررسي

مقولات تهی، از موضوعات پيچيده اي هستند كه تلاش و اندیشه زبان‌شناسان بسياري را به خود معطوف کرده و تحليهاي متعددي درباره آن‌ها ارائه شده است و زمينه طرح ساخت‌هايي را به نام

ساخت‌های کنترلی پدید آورده‌اند. در ایتالیایی و فارسی هم به این موضوع کم و بیش پرداخته شده است، در اینجا قصد داریم ضمن نشان دادن مشابهت ساختار گروه اسمی و جمله، وضع ضمائر تہی را در آن‌ها بررسی کنیم.

در زبان ایتالیایی

گولیلمو چینکوئه در سال ۱۹۸۰ مسأله‌ای را مطرح کرد که به نام تعمیم چینکوئه معروف شد. بنا بر نظر، او در زبان ایتالیایی هیچ عنصری از عبارتی که هسته آن N است، نمی‌تواند با حرکت Wh یا مبتداسازی بیرون برده شود، مگر آن که فاعل NP باشد. بنابراین گروه اسمی می‌تواند فاعل داشته باشد. حال باید دید که آیا می‌تواند فاعل تہی هم داشته باشد یا خیر؟ این فاعل تہی همان pro است. تمایز pro و PRO در کنترل اختیاری است که می‌تواند در این بحث نادیده گرفته شود. جملات مجهول یکی از ساخت‌هایی است که شباهت گروه اسمی را به جمله نشان می‌دهد:

1-a- Gli invasori distrussero la città`

b- La città` fu distrutta dagli invasori

2- a- La distruzione della città` dagli invasori

b- La distruzione degli invasori della città`

۱- الفد مهاجمان شهر را ویران کردند

ب- شهر توسط مهاجمان ویران شد

۲- الفد ویرانی شهر توسط مهاجمان

ب - ویرانی مهاجمان شهر (این ترجمه جمله ایتالیایی است و در آن زبان ساخت درستی است و منظور آن ویرانی شهر است که توسط مهاجمان انجام گرفته است)
همانطور که می‌بینیم گروه‌های اسمی می‌توانند درست مثل جمله، حالت مجهول بگیرند.

اثبات وجود فاعل‌های تہی درون گروه اسمی

شاهد اول استفاده از proprio است که یک مرجع‌دار فاصله‌دار متمایل به فاعل است در ساختار جمله و گروه اسمی:

a- Ho consigliato a Maria ; un'attenta indagine sui fatti che avevano portato all'arresto dei propri ; genitori (da parte della polizia)

به ماریا تحقیق دقیقی را توصیه کردم درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند

b- *Ho consigliato a Maria ; un'attenta indagine da parte del suo avvocato sui fatti che avvano

portato all'arresto dei propri genitori

به ماریا تحقیقی توسط وکیلش را درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند توصیه کردم

c-*Ho promesso a Maria i un'attenta indagine sui fatti che avevano portato all'arresto dei propri genitori

به ماریا قول تحقیق دقیقی را درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند، دادم

در جمله a- propri به مفعول با واسطه ارجاع می‌دهد و برای مرجع‌دار چنین ارجاعی غریب است، مگر آنکه فرض کنیم مرجع‌گزینی به طور غیرمستقیم و با میانجیگری مقوله تھی هم مرجع با ماریا، در جایگاه فاعل گروه اسمی انجام گرفته است. جمله b- این نظر را تأیید می‌کند، چون وقتی عامل تحقیق آشکارا بیان می‌شود، دیگر ماریا نمی‌تواند مرجع propri باشد. در جمله، c- چون فعل قول دادن کنترل مفعولی نمی‌پذیرد، ماریا هم مرجع propri فهمیده نمی‌شود. همین تقابل را در جملات مصدري متناظر این NP می‌بینیم.

a- Ho consigliato a Maria i di indagare attentamente sui fatti che avevano portato all'arresto dei propri genitori

به ماریا توصیه کردم درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند دقیقاً تحقیق کند

b- Ho consigliato a Maria i che il suo avvocato j indagasse attentamente sui fatti che avevano portato all'arresto dei propri genitori

به ماریا توصیه کردم وکیلش درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند دقیقاً تحقیق کند

c-* Ho promesso a Maria di indagare attentamente sui fatti che avevano portato all'arresto dei propri genitori

به ماریا قول دادم درباره موضوعاتی که به بازداشت والدینش منجر شدند دقیقاً تحقیق کنم

در جمله a- ماریا که فاعل نیست به کمک PRO که هم مرجع با ماریاست، برای propri مرجع مناسب می‌شود. در جمله b- فقط وکیل می‌تواند propri را پابند کند. در جمله c- ساخت کنترل فاعلی است و ضمیر تھی با یک فاعل اول شخص کنترل می‌شود و نمی‌تواند propri را که یک مرجع‌دار سوم شخص است، پایبند کند. می‌بینیم که فاعل بیان نشده یک گروه اسمی از نظر نحوی مثل ضمیر تھی در جملات عمل می‌کند. شاهد دوم امکان داشتن مرجع گسسته است. در ایتالیایی pro هم می‌تواند در کنترل اجباری و هم در اختیاری مرجع گسسته بگیرد، بشرطی که هر دو مرجع آن را سازه فرمانی کنند.

a - Gianni _j voleva che Maria _i si convincesse che era ora di PRO liberare se stessi _{j+i} da quell'imbarazzante situazione

جاني ميخواست مارياتقاعد شود كه زمان آزاد شدن آنها از آن موقعيت دشوار فرا رسیده بود

b- [La madre di Gianni _j] _k voleva che Maria _i si convincesse che era ora di PRO liberare se stesse _{k+i} / *se stessi _{j+i} da quell'imbarazzante situazione

مادر جاني ميخواست مارياتقاعد شود كه زمان آزاد شدن آنها از آن موقعيت دشوار فرا رسیده بود

c- Gianni ha proposto a Maria_i di PRO_{i+j} partire insieme per Milano

جاني به ماريا پيشنهاده کرد تا با هم به ميلان بروند

d- [La madre di Gianni_j] _k ha proposto a Maria _i di PRO _{i+k} / *_{k+j} / _{j+i} partire insieme per Milano

مادر جاني به ماريا پيشنهاده کرد تا با هم به ميلان بروند
در جمله a- صرفنظر از خوانش اختياري مرجعدار جمع مذكر se stessi هم جاني و هم ماريا را به عنوان مرجع خود ميپذيرد، اما اين در جمله b- غيرممکن است و مادر جاني و ماريا مرجعهاي گسسته se stesse هستند. چون داشتن مرجع گسسته براي مرجعدارهاي واژگاني ممنوع است، پس امکان خوانش اخير بايد به PRO فاعل مصدر نسبت داده شود.

همين نتايج را در ساخت داراي گروه اسمي هم مي بينيم:

a-Gianni _j voleva che Maria _i sapesse che era arrivata finalmente l'ora della liberazione di se stessi _{i+j} / _{arb} dalla schiavitù`

جاني ميخواست ماريا بداند كه بالاخره زمان آزادي آنها از بردگي فرا رسیده بود

b- [La madre di Gianni _j] _k voleva che Maria _i sapesse che era arrivata finalmente l'ora della liberazione di se stesse _{i+k} / * se stessi _{i+j} / _{arb} dalla schiavitù`

مادر جاني ميخواست ماريا بداند كه بالاخره زمان آزادي آنها از بردگي فرا رسیده است

در جمله a- هم امکان خوانش اختياري هست و هم جاني و ماريا ميتوانند مرجع ضمير باشند. در b- تنها مادر جاني و ماريا ميتوانند مرجع se stesse باشند و امکان خوانش اختياري هم وجود ندارد.

آزمایش مشابه با *insieme* كه يك اادات معمولي است و مستلزم يك مرجع محلي غير گسسته جمع است، همين مطلب را درباره گروه اسمي نشان ميدهد:

a- Gianni _j ha proposto a Maria_i un viaggio insieme _{i+j} a Milano

جاني به ماريا پيشنهاده سفری با هم به ميلان را داد

b- [La madre di Gianni]_k ha proposto a Maria _i un viaggio insieme _{k+i} / *_{j+i} a Milano

مادر جانی به ماریا پیشنهاد سفری با هم به میلان را داد
شاهد سوم، رفتار گروه اسمی در کنترل به عقب است که همانند
مصدرهاست.

a- Conoscere se stesso _i e` stato molto utile a Mario _i

شناختن خود برای ماریو خیلی مفید بود

b- La conoscenza di se stesso _i e` stata molto utile a Mario_i

شناخت خود برای ماریو خیلی مفید بود

c- Conoscere se stesso e` stato molto utile alla carriera di Mario

شناختن خود برای شغل ماریو خیلی مفید بود

d- La conoscenza di se stesso e` stata molto utile alla carriera di Mario

e- * Conoscere se stesso e` stato molto utile alla madre di Mario

f- * La conoscenza di se stesso e` stata molto utile alla madre di Mario

مثالها نشان می‌دهد که باید یک فاعل تهی در گروه‌های اسمی
باشد تا se stesso که یک مرجعدار مذكر است با آن مطابقت کند.
شاهد چهارم مسأله امکان مرجعداری درونه‌گیری شده در یک NP
برای کسب یک خوانش اختیاری است، در شرایطی که اگر جز این
باشد، توجیه‌پذیر نیست.

a- PRO _{arb} Conoscere se stessi _{arb} e` importante

b- Mario ti convincera` dell'importanza della conoscenza di se stessi _{arb}

ماریو تو را نسبت به اهمیت شناخت خود متقاعد خواهد کرد

c- Gianni ritiene che la conoscenza di se stessi _{arb} sia importante

جانی فکر می‌کند که شناخت خود مهم است

d- Mario ti convincera` dell'importanza di PRO _{arb} conoscere se stessi

e- Gianni ritiene che PRO _{arb} conoscere se stessi sia importante

اگر مرجعدار واژگانی se stessi با یک عنصر اختیاری و
دلخواهی پایبند نشود، این جملات نمی‌توانند خوانش اختیاری
داشته باشند. پس مجبوریم فرض کنیم یک مقوله تهی اختیاری در
جایگاه فاعل مصدر و اسم شناختن وجود دارد و باز هم رفتار
مشابه این عنصر تهی را در هر دو ساخت دارای اسم و مصدر
می‌بینیم. بنابراین وجود فاعل تهی در گروه‌های اسمی پذیرفته
می‌شود.

در بحث ما عمدتاً مصدر و گروه اسمی مورد مقایسه قرار
گرفته‌اند که در زبان‌ها رواج بیشتری دارند، اما در ایتالیایی
علاوه بر این‌ها صورت‌های فعلی دیگری چون gerundio و
participio passato هم وجود دارند که فاعل آن‌ها تهی است و در بحث کنترل از پرداختن

به آنها خودداری شده است. دامنه کاربریشان وسیع است و به ذکر چند مثال اکتفا می‌شود تا فقط به مسأله وجود فاعل تهي در آنها اشاره شود:

Gerundio:

a-Carlo mangiava PRO ascoltando la radio

کارلو در حالیکه به رادیو گوش می‌کرد غذا می‌خورد

b- PRO Avendo visto l'incidente non potei dormire

با دیدن تصادف نتوانستم بخوابم

c- Noi ritorneremo piu` presto PRO prendendo un taxi

ما با تاکسی سوار شدن زودتر خواهیم رسید، یا اگر تاکسی سوار شویم زودتر خواهیم رسید

Participio passato

a-PRO Visto Luigi Carlo uscì di casa

کارلو پس از دیدن لوئیجی از منزل خارج شد

b- Dopo PRO aver scritto la lettera la imbuccherà Maria

ماریا پس از نوشتن نامه، آن را پست خواهد کرد
علاوه بر این، ساخت کنترلی در ایتالیایی از طریق وجه التزامی هم بیان می‌شود:

Ho deciso che partecipi al congresso

تصمیم گرفتم در کنگره شرکت کنم
در همه مثال‌های بالا ما شاهد کنترل فاعلی هستیم، اما چون موضوع مورد نظر ما صرفاً بررسی مسأله فاعل تهي در گروه‌های اسمی و جمله بود، از پرداختن به این‌ها فعلاً صرف نظر می‌کنیم.

در زبان فارسی

در فارسی هم مقولات تهي مختلفی وجود دارد، زیرا زبان فارسی هم مثل ایتالیایی یک زبان ضمیرانداز است. در فارسی بحث کنترل در ساخت‌های التزامی مطرح است:

تصمیم گرفتم خانه جدیدی بخرم

آنها تصمیم گرفتند شهر را هر چه زودتر ترک کنند

بنابراین در صورتی که بخواهیم مطالعه مشابهی در فارسی انجام دهیم، باید فاعل تهي گروه‌های اسمی را هم با فاعل تهي مصدرها در بندهای بی‌زمان و هم با فاعل تهي در ساخت‌های التزامی مقایسه کنیم. کاربرد مصدر به صورت بند بی‌زمان در فارسی بسیار محدود است و قابل مقایسه با کاربرد گسترده آن در ایتالیایی نیست.

نکته مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، مسأله «خود»

در فارسی است این مرجعدار هم کاربرد انعکاسی دارد و هم کاربرد تأکیدی، به همین دلیل سعی شد به طور محدود از آن استفاده شود.

این شواهد برای نشان دادن شباهت گروه اسمی به جمله در فارسی ارائه می‌شود:

- مجهول‌سازی:

الف- بچه‌ها دیوار را نقاشی کردند

دیوار توسط بچه‌ها نقاشی شد

ب- نقاشی بچه‌ها روی دیوار

نقاشی دیوار توسط بچه‌ها

عبارت‌های الف و ب هم معنایند و ارتباط گشتاری آن‌ها قابل مشاهده است. ساختار مضاف و مضاف‌الیهی همان نقشی را دارد که فاعل صوری در جملات بالا داشت.

- تعامل با قید بعد ، یا بعداز:

الف- حسن تصمیم گرفت بعد از خواب بیشتر کار کند

حسن تصمیم گرفت بعد از خوابیدن بیشتر کار کند

حسن تصمیم گرفت بعد از این‌که خوابید، بیشتر کار کند

ب- حسن که بعد از خواب سرحال بود، بیشتر کار کرد

حسن که بعد از خوابیدن سرحال بود، بیشتر کار کرد

- ساخت اضافی:

در اسم‌های متناظر فعل، فاعل آشکار گروه اسمی به صورت ساختار مضاف و مضاف‌الیهی ظاهر می‌شود:

کوشش حسن بسیار بود

اثبات وجود فاعل‌های تهی در گروه اسمی

شاهد اول استفاده از مرجعدار یکدیگر که مرجع گسسته می‌گیرد:

الف- حسن z می‌خواست حسین z بفهمد که زمان PRO بخشیدن یکدیگر

z ؛ فرا رسیده است

ب- حسن می‌خواست حسین بفهمد که زمان بخشش یکدیگر فرا رسیده

است

ج- حسن می‌خواست حسین بفهمد که زمان آن رسیده که یکدیگر را

بخشند

د- [برادر حسن i] k می‌خواست حسین z بفهمد که زمان بخشیدن

یکدیگر $z+k$ ؛ فرا رسیده است

در جمله‌های الف ب و ج وجود ضمیر تھی موجب می‌شود که حسن و حسین بتوانند مرجع «یکدیگر» قرار گیرند و در جمله د این مسأله کاملاً روشن می‌شود.

استفاده از ادات با هم که ساختار مشابه مرجع‌دار یکدیگر را نشان می‌دهد:

الف- حسن i به حسین j پیشنهاد کرد با هم به شیراز PRO_{i+j} عزیمت کنند

ب- حسن عزیمت با هم به شیراز را به حسین پیشنهاد کرد

ج- [برادر حسن i] k به حسین پیشنهاد کرد با هم به شیراز PRO_{j+k} عزیمت کنند

می‌بینیم که در جمله ج حسن و حسین نمی‌توانند مرجع ضمیر تھی باشند

آزمایش دوم کنترل به عقب است:

الف- شناخت خود برای احمد بسیار مفید بود

ب- شناختن خود برای احمد بسیار مفید بود

ج- شناخت خود k برای [مادر احمد] k خیلی مهم بود

در این جمله‌ها ناچاریم قائل به یک فاعل تھی برای شناخت و شناختن بشویم، تا مرجع خود باشد.

آزمایش سوم خوانش اختیاری است:

الف- حسن مرا متقاعد کرد که شستشوی خود arb برای سلامتی لازم است

ب- حسن مرا متقاعد کرد که شستن خود arb برای سلامتی لازم است

ج- حسن مرا متقاعد کرد برای سلامتی لازم است خود arb را بشویم

الف- حسن تو را به اهمیت شناخت خود arb مطمئن می‌کند

ب- حسن تو را متقاعد می‌کند که خود arb را شناختن مهم است

ج- حسن تو را متقاعد می‌کند که مهم است خود را بشناسیم

در این جمله‌ها مرجع‌دار خود با یک عنصر دلخواهی پایبند شده که خوانش اختیاری می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در هر دو زبان شواهدی دال بر وجود فاعل برای گروه‌های اسمی می‌بینیم که می‌تواند آشکار یا تھی باشد. همچنین مشابهت عملکرد این فاعل‌های تھی با ضمیر تھی در جمله‌ها و ساخت‌های کنترلی نشان می‌دهد که:

- فاعل‌های تهی گروه‌های اسمی هم مانند pro ها به سازه فرمانی حساسند:

Gianni persegue la conoscenza di se stesso

جانی شناخت خود را پی می‌گیرد

Gianni pensa di conoscersi / conoscere se stesso

جانی به شناختن خود می‌اندیشد

مطابقت مرجع‌دار se stesso با جانی این حساسیت به سازه فرمانی را نشان می‌دهد.

- کنترل مفعولی برای هر دو ممکن است:

Ho incoraggiato Gianni allla conoscenza di se stesso

بنابراین هر دو زبان فارسی و ایتالیایی دلایلی را در تأیید شبیه بودن ساختار گروه اسمی و گروه فعلی ارائه می‌دهند که با مطالعه گروه‌های دیگر واژگانی، می‌توان مسأله را دنبال کرد و دید تا چه حد ادعای چامسکی در این زمینه درست است.

منابع

- ۱- دبیرمقدم، م، زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران، سخن، ۱۳۷۸.
- 7- Anderson, M., *Noun Phrase Structure*, PhD dissertation, university of Connecticut, 1979.
- 8- Burzio, L., *Italian syntax : a GB Approach*, Reidel , Dordrecht, 1986.
- 9- Chomsky, N., "*Remarks in nominalization*" in R. Jacobs and P. Rosenbaum (eds), *Reading in English, Transformational Grammar*, 184-221, Waltham, MA:Blaisdell, 1970.
- 10- ———, *On Binding*, *Linguistic Inquiry*, 11, no1, 1-46, 1980.
- 11- ———, h. Lasnik, *Null Case the Theory of Principles and Parameters, In syntax* , Ed. Joachim Jacobs ,et al. Berlin : Walter de Gruyter,1993.
- 12- Cinque ,G., *On Extraction from NP in Italian*, *Journal of Italian Linguistics*, 5, 47- 99, 1980.
- 13- ———, *Sulla nozione di soggetto di sintagma nominale in italiano*, *Cultura Neolatina*, 41, 1981.
- 14- Delmonte, R., *Grammatica e quantificazione in LFG*, *Quaderni Patavini di Linguistica* , 10, 3-71, 1991.
- 15- Giorgi, A., Giuseppe Longobardi, *The syntax of Noun Phrases*, Cambridge University press, Cambridge, 1991.
- 16- Ghomeshi, J., *Projection and inflection : A study of Persian phrase structure*, Toronto, Ontario, 1996.
- 17- Hornstein N, *Movement and Control*, *Linguistic Inquiry*, 69-96, 1999.
- 18- ———, *chapter one On Control*, forthcoming in R. Hendriks(ed.), oxford, 1997.
- 19- Kayne, R., *Connectedness*, *Linguistic Inquiry*,14, 223-49, 1983.
- 20- ———, *Connectedness and Binary Branching*, Foris, Dordrecht, 165-192, 1984.
- 21- Manzini, M.R., *On Control and Control Theory*, *Linguistic Inquiry*,14,421-46, 1983.
- 22- ———, Anna Rossou, *A minimalist theory of A-movement and control*, *Lingua*, 110, 409-47, 2000.
- 23- Martin, R., *Null case and the Distribution of PRO*, *Linguistic Inquiry*, 32, 141-65, 2001.

- 24- Polinsky, M., Eric Potsdam, *Backward Control*, Linguistic Inquiry, 33, 245-82, 2002.
- 25- Radford, A., *Transformational Grammar*, Cambridge University press, Cambridge, 1988.
- 26- Speas, M., Economy , *Agreement and the Representation of Null Arguments*, university of Massachusetts , Amherst, 1995.